

حدیث روز:
امام صادق(ع)
 برآورده نشدن نیاز نیکوتر از خواهش آن از نااهل است و سخت‌تر از گرفتاری، بدخلقی و صبر نکردن بر آن گرفتاری است.

واحه:
 ز عشقت سوختم ای جان کجایی
 بماندم بی‌سرو سامان کجایی

اوقات شرعی:
 اذان ظهر: ۱۳:۴۳
 اذان مغرب: ۲۰:۴۰
 اذان صبح (فردا): ۴:۰۲
 غروب آفتاب: ۲۰:۱۹
 نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۱
 طلوع خورشید(فردا): ۵:۴۸

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی

شاپا: ۳۶۳۷۰-ISSN۱۷۳۵۰۰۰۰
 پایگاه اطلاع رسانی:
 www.jamejamonline.ir
 www.jamejamdaily.ir
 پست الکترونیکی:
 info@jamejamdaily.ir



سه شنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۰ ۲۷ شوال ۱۴۴۲ ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۵۹۵۶ استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان Tuesday - June 8, 2021

امروز در تاریخ:
 درگذشت دبیح...مصورى، نویسنده و مترجم (۱۳۶۵ ش)

درگذشت غلامحسین نقشبینه، بازیگر (۱۳۷۵ ش)

برگزاری هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۰ ش)

اختراع جاوبرقی در آمریکا (۱۸۶۹ م)

اختراع کبریت در آلمان (۱۸۳۰ م)

حکمت ۳۴:
 برترین توانگری ترک آرزوهاست.

وضعیت آب و هوای امروز
 تهران ۲۵ / ۳۴
 اراک ۱۳ / ۳۴
 ارومیه ۱۲ / ۳۰
 بندرعباس ۲۸ / ۳۶
 بیرجند ۲۱ / ۴۰
 ساری ۱۹ / ۲۷
 شهرکرد ۹ / ۳۳
 شیراز ۱۹ / ۳۸

چگونه رئیس جمهور شویم؟

خلافت، مهم‌ترین چیز است

قسمت هفتم
 ۱۰ روز تا انتخابات
 بیشتر نمانده و اگر تا حالا نتوانسته‌اید بار خودتان را ببندید، هیچ مشکلی نیست چون تجربه نشان داده حتی یک ساعت قبل از رای‌گیری هم می‌شود بار روزنامه‌نگار



محمدتقی حاجی‌موسی
 روزنامه‌نگار

را بست و راه افتاد سمت پایستور. ولی خب ما همواره به برنامه‌پایبندیم و دلمان نمی‌خواهد بعدش به شما بگویند الکی الکی رای آوردید. لذا این چند تا دستور باقیمانده را هم رعایت کنید و قول می‌دهیم وقتی رئیس‌جمهوری شدید، از هفت دولت آزاد باشید.

موج سواری کنید: حالا ما که اینجا دماغه امید نیک و سواحل فلوریدا نداریم که با تخته موج‌سواری برویم روی امواج. اما اینجا کلی اتفاق داریم که شما می‌توانید بپرید رویشان؛ مثلاً الان تیم ملی دارد مسابقه می‌دهد، شما ۵۴هزار تا توییت در حمایت از ورزش و فوتبالتان و خاطرات‌تان با شورت ورزشی منتشر کنید و این وسط بکشید خودتان را مسلط به ادبیات استادبومی‌نشان دهید البته تا آنجا که خودتان می‌دانید کجاست. نکته‌مهم، حمایت از یک بازیکن یا یک تیم خاص در لیگ دسته چهارم آموزشگاه‌های کشور است تا ریشه‌دار بودن علاقه‌تان را توی چشم ما فرو کنید.

اکسل را بغل کنید: اهمیت انتشار نمودار از وعده نقری ۵۰۰هشملیون تومان بدون برگشت هم بیشتر است و ما کلاً دوست داریم کاغذهای توی دست‌کاندیدها را تماشا کنیم که یک‌سری پرزنده و چرنده روی آن در حال انجام حرکات موزون هستند و با نوک و بال و دست و پای‌شان، نمودارهای اقتصادی را به سقف چسبانده‌اند. در کنار این نمودارهای میله‌ای که رسم‌شان از طریق برنامه اکسل، بیش از ۸۷ ثانیه زمان می‌برد، نمودارهای کپکی و فلوجارت‌های دایره‌ای را اصلاً از یاد نبرید، حتی اگر شده دایره‌ها را با حروف بی‌معنا پر کنید و اصلاً می‌توانید کنارش بنویسید، «واجد شرایط رای دادن عزیزم! این دایره را به سلیقه خودت رنگ کن» یا این کار، شما خلایقت خودتان را هم به ما عرضه کرده‌اید.

به آسمان نگاه کنید: تکرار همیشه هم چیز بدی نیست و اگر بد بود، روز و شب این‌قدر تکرار نمی‌شد. شما هم با این‌که چهره و حرف‌هایتان تکراری شده اما با استفاده از همان مثال روز و شب، هر روز بیابید توی تلویزیون و رادیو و توییترو به مردم بگویید اگر من رای بیاورم، همه مشکلات‌تان را حل می‌کنم. شما باید این‌قدر این جمله را تکرار کنید که کسی فرصت نکند از شما پرسد چه جوری... نه‌اینها هم اگر پرسیدند، بگویید بروند در سایت‌تان و برنامه‌هایتان را مطالعه کنند. حالا این‌که سایت ندارید، اصلاً مهم نیست.

برای مرضیه برومند و تولد ۷۰ سالگی‌اش

«مرضیه» مثل مادر

مصداق جمله «چنان زندگی کن که نامت به نیکی برند» خانم مرضیه برومند است. دیروز ۷۰سالگی را پر کرد و ۵۳سال است در حوزه فرهنگ و هنر فعال بوده و همه این سال‌ها خاطرات خوبی از خودش به‌جا گذاشته است. چه آن زمان که ۱۷ساله بود و به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پیوست و شروع به کار عروسکی کرد و چه آن زمان که وارد دانشگاه شد و چه زمانی که به‌عنوان یک آدم حرفه‌ای به تلویزیون و سینما پیوست و بهترین فیلم‌ها و سریال‌ها را ساخت و می‌سازد. از زمانی که مدرسه موش‌ها و خانه مادر بزرگه را برای مخاطب کودک و نوجوان و بچه‌های دهه شصتی ساخت، حدود ۴۰سال می‌گذرد و هنوز هم بچه‌های آن دهه که حالا بزرگ شده‌اند و خودشان پدر و مادرند، با دیدن این آثار کیف می‌کنند و ترانه‌ها و موسیقی آنها را از حفظند و گاهی زمزمه می‌کنند و بازهم لذت می‌برند. برومند هنوز هم مانند یک جوان کار می‌کند و آثاری می‌سازد که به دل مردم می‌نشیند و آن را تماشا می‌کنند و به‌خاطر می‌سپرند. برومند خودش بچه ندارد اما با آثارش نشان داده همه بچه‌ها در هر سال و دهه‌ای که متولد شوند، فرزند او هستند. درست مثل نام یکی از سریال‌هایش که «همه فرزندان من» نام داشت.

آبان ۹۴ با برومند گفت‌وگو کردم و با اجازه خودش یک سؤال خصوصی از او پرسیدم؛ چرا ازدواج نکردید؟ با خنده گفت: «منو کسی نگرفت! هرکس منو دید با خواهرم ازدواج کرد. من ازدواج نکردم اما این اتفاق به این معنا نیست که ازدواج خوب نیست. ازدواج خیلی خوب است به شرط این‌که زن و مرد به یک‌دیگر متعهد باشند. باید از «من» عبور کنند و «ما» شوند. باید به وصلت احترام بگذارند. وقتی می‌شنوم ازدواجی به طلاق منجر شده، خیلی ناراحت می‌شوم به‌خصوص برای زوج‌هایی که بچه دارند. نهاد خانواده خیلی برایم ارزشمند است، چون شرایط کار و زندگی‌ام ایجاب می‌کرد یکی را انتخاب کنم و کارم را انتخاب کردم. اگر ازدواج می‌کردم، مهم‌ترین چیز برایم خانواده بود.»

برومند دیروز ۷۰سالگی را تمام کرد. این در حالی است که او این روزها مشغول ساخت سریال «مجمع مسکونی کلپله‌ودمنه» برای شبکه نمایش خانگی است. درست مثل ۵۳سال قبل که وارد کانون شدر پر از انرژی و پر از خلایقت. با دو نفر از دوستان و همکاران قدیمی‌اش هم صحبت شدم تا به مناسبت سالروز تولدش از این کارگردان ماندگار برایمان بگویند.

طاهره آشیانی

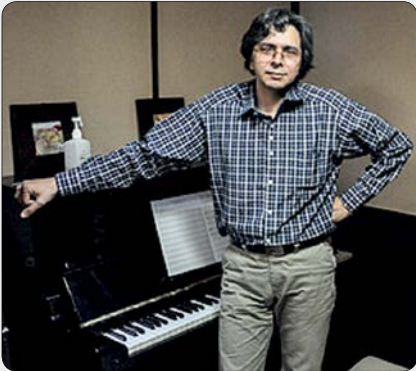
روزنامه‌نگار



کافه میرداماد

عکس: بابک بزرگوپه

بهرام دهقانپار: به جوان‌ها اعتماد می‌کند



مجموعه عروسکی خانه مادر بزرگه؛ خاطره جمعی چند نسل، با همان شعرو موسیقی تیتراژ اولیه: «خانه مادر بزرگه هزار تا قصه داره / خانه مادر بزرگه شادی و غصه داره... / دل وقتی مهربونه، شادی میاد می‌مونه / خوشبختی از رو دیوار، سر می‌کشه تو خونه...»

دوست‌داشتنی‌ترین کارهای مرضیه برومند که آهنگ‌سازی آن به عهده بهرام دهقانپار بوده. این آهنگساز که این‌روزها مشغول ساخت موسیقی برای سریال مجمع مسکونی کلپله‌ودمنه است درباره همکاری‌اش با مرضیه برومند و خانه مادر بزرگه می‌گوید: «۲۰سالم بود و تازه از سربازی آمده بودم که از طریق خانم مریم سعادت به خانم برومند معرفی شدم. به استودیوی من آمدمند و فیلمنامه، شعرها و ترانه‌هایی را که برای موسیقی کار در نظر گرفته بودند به من دادند و همان‌جا تمی که به ذهنم رسیده بود را با پیانو برای خانم برومند اجرا کردم و ایشان پسندیدند و قرار شد کار را بسازم. خانم برومند موسیقی، تم و ریتم را خوب می‌شناسد و به حسش اعتماد می‌کند و اگر موسیقی ساخته شده با حس او منطبق باشد، کار را می‌پذیرد. خانم برومند در زمان انتخاب عوامل سازنده بسیار دقیق است و می‌داند وقتی فردی را انتخاب می‌کند از او چه انتظاراتی باید داشته باشد و همان را از او می‌خواهد. بعد از خانه مادر بزرگه در چند کار دیگر با هم همکاری کردیم، چون به این نتیجه رسیدیم که حرف و انتظار یکدیگر را درک می‌کنیم و نظرات‌مان در نقطه‌ای بر هم منطبق می‌شود. زمانی‌که موسیقی‌خانه مادر بزرگه را ساختم دوران جنگ بود و روحیه مردم به‌خصوص کودکان بسیار حساس، شکننده و خسته بود به همین دلیل تصمیم گرفتم این موسیقی تا جایی‌که می‌تواند شاد و امیدبخش باشد که روحیه مخاطبانش را شاد کند و خوشبختانه به نتیجه دلخواه نیز رسیدیم و موسیقی این کار مثل خود اثر در ذهن مردم ماندگار و به‌خاطر جمعی و نوستالژیک دهه شصتی‌ها تبدیل شد.»

مریم سعادت: ۴۰ سال است با هم دوستیم



«من همکاری‌ام را با خانم برومند از «مدرسه موش‌ها» شروع کردم. عروسک‌گردان بودم و تعدادی از عروسک‌ها را طراحی کردم و آنها را ساختم. بعد در سریال «خانه مادر بزرگه» هم عروسک‌گردان بودم و هم گوینده عروسکی که به‌جای یکی از جوجه‌ها صحبت می‌کردم. الان هم در راهم و می‌روم سر صحنه سریال جدیدش، مجمع مسکونی کلپله‌ودمنه. در این سریال هم بازی می‌کنم اما نمی‌گویم

چه نقشی دارم. جدا از همکاری، ما ۴۰سال است با هم دوستیم. دوستی بسیار عمیق. خانم برومند وقتی با یکی دست دوستی می‌دهد، محال است او را رها کند. او همیشه در دسترس دوستانش است؛ در گرفتاری، مشکلات و در شادی‌ها. در قلب او همیشه روی من باز بوده و هست. افرادی که در گروه‌های فیلم‌سازی و سریال‌سازی فعالند، معمولاً در زمان کار و تصویربرداری با هم دوست هستند و بعد از پایان کار این دوستی تمام می‌شود تا کار بعد که معلوم نیست چه زمانی باشد ولی ما چند نفریم که در رأس‌مان خانم برومند قرار دارد. سال‌هاست با هم کار می‌کنیم اما دوستی ما با پایان کار تمام نمی‌شود و در بیرون از فضای کار باز هم دوستیم و رفت‌وآمد داریم. معرفت و مرام خانم برومند یابزند عام و خاص است و من این را با همه وجود حس کرده‌ام. می‌گویید کارها و آثار خانم برومند ماندگار است و چند نسل از آنها خاطره دارند. دلپیش خلایقت و جدی بودن خانم برومند در کار است. مخاطب کودک برایش جدی است و باور دارد برای این گروه سنی باید بهترین آثار تولید شود. کار عروسکی برایش اهمیت دارد و می‌گوید می‌توان بهترین کارها را با عروسک‌ها ساخت و سال‌هاست همین کار را می‌کند. سر کار که می‌آید، سرشار از انرژی و خلایقت است. این انرژی و خوش‌اخلاقی را به همه گروه منتقل می‌کند و نتیجه‌اش می‌شود کارهایی که پر از شادی و انرژی‌اند و ماندگار می‌شوند. برخی می‌گویند خانم برومند سختگیر است. بله! بسیار هم سختگیر است. از خواسته و چیزی که می‌خواهد کوتاه نمی‌آید که اگر می‌آمد بهترین آثار چهار دهه اخیر را نمی‌ساخت. منضبط است؛ بله که اگر نبود، گروه با نظم و انرژی کار نمی‌کردند و نتیجه عالی نمی‌شد. خانم برومند یکی از بهترین دوستان من و یکی از خلاق‌ترین و بهترین کارگردانان است و من خوشبختم که یکی از همراهان او هستم.

است، با هم بودن در درد و غصه و غم و شادی.

همین راهکار کاربردی برای ساده کردن مصائب زندگی باعث شده که مراسم‌های بومی رنگارنگ وسط خاکستری کار و سختی شکل بگیرند. یکی از این مراسم‌های رنگارنگ «فوتشال» است که در استان مازندران برگزار می‌شود.

شالیکاری یکی از آن شغل‌های بسیار سختی است که به دلیل فضای کار معمولاً زیبا و طبیعت پرکش، سختی‌اش به چشم بیننده نمی‌آید و شهروندان پشت‌میزنشین وقتی زنی را می‌بینند که ساعت‌ها تا کمر خم شده و دستش را تا آرنج توی آب فروبرده، با خودشان بگویند ای‌کاش ما هم در این طبیعت بکر کار می‌کردیم! آدم اینجا خسته نمی‌شود که! اما واقعیت این است که کار کردن در شالیزار مرد و زن میدان خودش را می‌طلبد.

مردم بومی مازندران، در روستاهای مختلف، پیش از شروع فصل شالی دور هم جمع می‌شوند و بازی و مراسم جذابی را برای ایجاد روحیه پیش از شروع فصل کار برگزار می‌کنند. جوانان منتخب هر روستا یک تیم فوتبالت تشکیل می‌دهند و در یکی از زمین‌های کشاورزی که پر از آب و گل و خاک است با یکدیگر فوتبال بازی می‌کنند. البته فوتبالی که به دلیل برگزار شدن در زمین شالی دیگر اسمش فوتشال است!

مراسم فوتشال باعث می‌شود مردمی که قرار است دوشادوش هم در شالی کار کنند، قبل از شروع کار بار دیگر با هم دست بدهند و نفس‌شان به نفس هم بخورد. از طرفی هیجان مسابقه فوتشال، روحیه مردم را برای کار در شالیزار بالا می‌برد.

به غیر از این نمونه مازندرانی، مردم استان‌های دیگر نیز چیزی شبیه همین راهکار کاربردی برای ساده کردن سختی‌ها اختراع کرده‌اند!

شوت و گل!

نمی‌خواهم ناامیدتان کنم، اما به حرف‌های سخنرانان انگیزشی و روان‌شناسان مثبت‌گرا نگاه نکنید! زندگی این‌قدرها هم که این‌ها می‌گویند ساده نیست! درست است که خیلی هم‌ان مثال روز و شب، هر روز بیابید توی کیف می‌دهد آدم صبح به صبح هندزفری را بگذارد توی گوشش و به جملاتی پرا انرژی گوش کند که مدام می‌گویند: «زندگی چقدر زیباست

... به صدای گنجشک‌ها گوش کنید! ... همین که می‌توانید نفس بکشید یعنی خوشبختید ...» اما واقعیت این است نه‌تنها زندگی که زنده‌ماندن هم به این راحتی‌ها که می‌گویند نیست. شاهد می‌خواهید؟ همین درخت‌های کنار پیاده‌روها که ریشه‌های زمخت‌شان را به سختی از لای سنگفرش کشیده‌اند تا زنده بمانند.

آدم در طول تاریخ برای گذران هر شرایط سختی، کاربردی‌ترین راهکاری که به ذهنش رسیده این است که بیابیم سر این رشته را با کمک همدیگر نگه داریم بلکه بشود این اسب سرکش را مهار کرد. برای همین هم بوده لایب که انسان‌های نخستین کم‌کم از غارهای تنهایی‌شان بیرون آمدند و خانه‌هایشان را کنار هم ساختند و به زندگی گروهی عادت کردند. از اولین مدل‌های زندگی گروهی تا انجمن‌های امروزی، شیوه ساده‌سازی مصائب زندگی یک جور



علیرضا زافانی
 روزنامه‌نگار



عکس‌ها: فارس

